

تاریخچه اجمالی گنبد ائمه بقیع علیهم السلام

احمد خامه یار*

چکیده

زیارتگاه ائمه بقیع علیهم السلام که قبور مطهر چهار تن از امامان معصوم شیعه (شامل امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام) را در بر دارد، از مهم ترین مقاصد زیارتی عموم مسلمانان در مدینه منوره به شمار می آید. تا کمتر از یکصد سال پیش، روی این قبور ساختمان و گنبد بزرگی وجود داشته که از بناهای معماری شاخص در مدینه بوده است. در این نوشتار، با استناد به منابع تاریخی و جغرافیایی اصیل و دست اول، تاریخچه اجمالی گنبد ائمه بقیع علیهم السلام، شامل تعیین زمان ساخت و تحولات و بازسازی های آن در دوره های بعدی، بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد قبور ائمه بقیع علیهم السلام تا قرن پنجم هجری فاقد ساختمان بوده و نخستین گنبد روی این قبور، در اواخر این قرن، به دستور مجدالملک برآوستانی قمی (د ۴۹۲ق) ساخته شده است. مهم ترین تحولات معماری این بنا در دوره های بعدی نیز تخریب اول و دوم آن به دست وهابی ها و بازسازی آن در دوره عثمانی پس از تخریب اول بوده است.

کلید واژه ها: قبرستان بقیع، گنبد ائمه بقیع علیهم السلام، مدینه منوره، حرمین شریفین، زیارتگاه های اسلامی، تاریخ معماری

قبرستان بقیع، قبرستان اصلی مدینه منوره در طول دوره اسلامی، و از مهم‌ترین اماکن مقدس این شهر است که در دوره‌های مختلف، مورد توجه، و زیارتگاه عموم مسلمانان بوده است. پیشینه این قبرستان به زمان حیات پیامبر خدا ﷺ برمی‌گردد که شماری از صحابه آن حضرت همچون اسعد بن زراره و عثمان بن مظعون، و برخی از فرزندان ایشان همچون ابراهیم و رقیه، و نیز فاطمه بنت اسد مادر امیر مؤمنان علی علیه السلام در آن به خاک سپرده شدند.

با دفن ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ در کنار عثمان بن مظعون در سال دهم هجری، مردم به دفن مردگان خود در بقیع روی آوردند و هر قبیله‌ای، قطعه‌ای از زمین آن را به دفن مردگان خود اختصاص داد (ابن شُبّه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۱). بدین ترتیب بقیع در زمان حیات رسول خدا ﷺ به قبرستان تبدیل شد و حضرت نیز در زمان حیات به آنجا می‌رفت و به اهل بقیع سلام می‌داد و برایشان طلب مغفرت می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م، ج ۲، صص ۲۰۵-۲۰۳؛ ابن شُبّه، ج ۱، صص ۹۱-۸۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م، ج ۲، صص ۲۱۴-۲۱۳).

پس از رحلت پیامبر ﷺ، دفن مردگان در بقیع ادامه یافت و در سده‌های اول و دوم هجری، بسیاری از اهل بیت، صحابه و تابعین، و در سده‌های بعدی، بسیاری از فقها و محدثان مسلمان در آنجا به خاک سپرده شدند. از سوی دیگر، با ساخت بناها و گنبدهایی روی قبور باقی مانده از شخصیت‌های مقدس در بقیع، این قبرستان به یکی از مهم‌ترین مقاصد زیارتی عموم زائران و حج‌گزاران مسلمان در مدینه منوره تبدیل شد.

در میان گنبدها و زیارتگاه‌های بقیع، گنبد اهل بیت که حاوی قبور چهار تن از امامان معصوم شیعه: امام حسن مجتبی، امام زین‌العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام و نیز قبر عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر ﷺ بوده، همواره جایگاه ویژه‌ای میان عموم مسلمانان داشته است. بلکه با استناد به سفرنامه‌های حج و سایر منابع تاریخی می‌توان گفت که مزار ائمه بقیع، در طول تاریخ اسلام مهم‌ترین زیارتگاه در این قبرستان بوده است.

گنبد ائمه بقیع علیهم السلام، تا پیش از تخریب آن در آغاز روی کار آمدن دولت سوم

سعودی، از مهم‌ترین بناهای تاریخی مدینه منوره به شمار می‌آید. چنان‌که از توصیف‌های مورخان و جهانگردان و نیز عکس‌های قدیمی پیش از تخریب بقیع برمی‌آید، گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام از سایر گنبد‌های بقیع بزرگ‌تر و مرتفع‌تر بود و به نظر می‌رسد ارزش معماری فراوانی نیز داشته است.

با توجه به تقدس و اهمیت دینی و معنوی این گنبد و قدمت و ارزش تاریخی و معماری آن، در این نوشتار تلاش کرده‌ایم که بر اساس متون و منابع معتبر تاریخی، به تعیین زمان ساخت و تحولات معماری این گنبد در دوره‌های بعدی (شامل تخریب‌ها و بازسازی‌های آن) پردازیم و تاریخچه‌ای اجمالی از آن ارائه دهیم.

۱. نخستین بنا روی قبور

ابن شَبَّه (د ۲۶۲ق)، در تعیین محل دفن عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، گزارش داده است که او نزدیک قبر فاطمه بنت اسد در ابتدای «قبرستان بنی‌هاشم» که در محدوده خانه عقیل قرار داشت، به خاک سپرده شد (ابن شَبَّه، ج ۱، ص ۱۲۷). از این گزارش برمی‌آید که محل این زیارتگاه، ظاهراً با توجه به دفن شماری از بنی‌هاشم در آن، از جمله چهار امام معصوم شیعیان علیهم‌السلام، در سده‌های نخست به نام قبرستان بنی‌هاشم شناخته می‌شد.

گزارش ابن شَبَّه، دلالتی بر وجود بنا و ساختمانی روی این قبور ندارد و استفاده از تعبیر قبرستان در این گزارش نیز همین مسئله را نشان می‌دهد. وجود این قبور در محدوده خانه عقیل نیز دلالتی بر وجود بنای روی قبور ندارد؛ چراکه با توجه به شواهد تاریخی، خانه عقیل ظاهراً بسیار وسیع و گسترده بوده و این قبور به احتمال زیاد در فضای باز آن وجود داشته است و در سده سوم نیز زمین بقیع کاملاً به قبرستان تبدیل شده و اثری از خانه عقیل باقی نمانده بود.

در منابع تاریخی سده‌های میانی، از ساخت گنبدی روی قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام به دستور مجدالملک براوستانی قمی، دولتمرد دوره سلجوقی، در اواخر سده پنجم هجری سخن به میان آمده است. در سایر متون و منابع تاریخی و جغرافیایی، هیچ اشاره‌ای به وجود بنا یا گنبدی پیش از گنبد مجدالملک روی این قبور شریف دیده نمی‌شود.

همچنین با بررسی توصیف‌های ارائه شده از مزار ائمه بقیع علیهم‌السلام در سده‌های کهن (پیش از ساخت گنبد مجدالملک) و توصیف‌های متعلق به سده ششم به بعد (پس از ساخت گنبد)، روشن می‌شود که در متون کهن، از این مزار با تعبیر «قبر» یا «قبور» یاد شده، اما در منابع پس از سده ششم، برای توصیف مزار از اصطلاح «قبة» (گنبد) استفاده شده است.

مسعودی (د ۳۴۶ق) از نخستین کسانی است که توصیفی از این زیارتگاه به دست داده است. اما او صرفاً از وجود لوح سنگی روی قبور، بدون اشاره به گنبد و ساختمان، سخن گفته و متن کتیبه آن را بدین شرح بازخوانی کرده است:

«الحمد لله مُبید الأمم و مُحیی الرّمم. هذا قبر فاطمة بنت رسول الله ﷺ سيدة نساء العالمین، والحسن بن علی بن ابی طالب، وعلی بن الحسین بن علی، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، رضوان الله علیهم اجمعین» (مسعودی، ۱۸۹۳م، ص ۳۰۱).

متن مهم دیگر، رساله جغرافیای کهنی در توصیف مکه و مدینه و بیت المقدس از مؤلفی ناشناخته است که چنان که مصحح آن، مرحوم حمد الجاسر، با استناد به شواهد درون‌متنی رساله نشان داده، مؤلف آن متعلق به حوزه مغرب اسلامی بوده و آن را پس از سال ۳۵۰ قمری نوشته است (وصف مکه و المدینة و بیت المقدس، ۱۳۹۳ق، صص ۳۳۰-۳۲۸).
توصیف ارائه شده در این رساله از مزار ائمه بقیع علیهم‌السلام به شرح ذیل است:

«اگر از دروازه شهر خارج شوی، قبر حسن بن علی علیهم‌السلام در سمت راست تو، و کمی روی بلندی قرار دارد. روی قبر نوشته شده است: «هذا قبر الحسن بن علی، دفن الی جنب امه فاطمة رضی الله عنها وعنه»، و نزدیک آن قبور سه تن از ائمه علیهم‌السلام علی بن حسین بن علی، محمد بن علی بن حسین و جعفر بن محمد علیهم‌السلام قرار دارد. محل نماز خواندن علی بن ابی طالب علیهم‌السلام بر فاطمه علیهم‌السلام مقابل قبر حسن علیهم‌السلام است و آنجا مسجدی ساخته شده» (وصف مکه و المدینة و بیت المقدس، ص ۳۵۴).

تقریباً هم‌زمان با نگارش رساله مزبور، بشّاری مقدسی در اثر جغرافیایی مهم خود *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، که آن را در سال ۳۷۵ قمری نگاشته، در توصیف بقیع به این عبارت اکتفا کرده است:

«بقیع در شرق مدینه است و خاک خوبی دارد. در آن قبور ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ، حسن [رضی الله عنه] و شماری از صحابه وجود دارد و قبر عثمان نیز در انتهای آن قرار دارد.» (مقدسی، ۱۹۰۶م، ص ۸۲).

امام محمد غزالی (د ۵۰۵ق) نیز در اشاره به آداب زیارت مدینه منوره و قبرستان بقیع، از استحباب زیارت قبور چهار امام شیعه و نماز خواندن در مسجد فاطمه و زیارت قبور شخصیت‌های مقدس دیگری شامل عثمان خلیفه سوم، ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ و صفیه عمه آن حضرت ﷺ سخن گفته است (غزالی، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۳۰۷). همچنین در شماری از متون شیعی حاوی آداب زیارت بقیع که پیش از سده ششم نگاشته شده، برای اشاره به مزار ائمه بقیع علیهم السلام از تعبیر «قبر» یا «قبور» استفاده شده است (صدوق، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۷۵؛ مفید، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۲م، ص ۴۷۵؛ ابن برّاج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۷۹). در حالی که در مزارنامه‌های سده ششم به بعد، در توصیف این مزار، اصطلاح «قُبّه» (گنبد) به کار رفته است (از جمله: ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۸۸).

شیخ صدوق (د ۳۸۱ق) نیز پس از توصیه به زیارت قبور ائمه بقیع علیهم السلام و نقل زیارتنامه آنان، به خواندن هشت رکعت نماز زیارت در مسجدی در آنجا، که گفته شده محل نماز خواندن حضرت فاطمه بوده، توصیه کرده است (صدوق، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۷۷). این مسئله قرینه‌ای است بر آنکه قبور ائمه بقیع علیهم السلام در وسط قبرستان و فاقد بنا بوده و لذا شیعیان، نماز زیارت را در مسجد فاطمه (بیت الاحزان در دوره‌های بعدی) می‌خواندند.

در نقطه مقابل، در منابع سده ششم به بعد، اصطلاح قُبّه (گنبد) و گاه اصطلاح «روضه»^۱ جایگزین تعبیر «قبر» یا «قبور» در متون سده‌های قبلی شده است. از آن جمله

۱. با توجه به اینکه کاربرد اصطلاح «روضه» را در دو متن جغرافیایی متعلق به حوزه مغرب و اندلس در سده ششم سراغ داریم (الاستبصار فی عجائب الامصار، بی تا ص ۴۲؛ ابن جیسر، بی تا، ص ۱۷۴)، به نظر می‌رسد این اصطلاح صرفاً در متون این حوزه جغرافیایی به عنوان معادلی برای گنبد یا زیارتگاه دارای ساختمان به کار رفته است.

باید به کتاب الاستبصار فی عجائب الامصار از مؤلفی ناشناس از سده ششم^۱ اشاره کرد که در آن، از این زیارتگاه با تعبیر «روضه عباس بن عبدالمطلب» یاد شده است (الاستبصار فی عجائب الامصار، بی تا، ص ۴۲).

ابن مازہ بخاری (د ۵۶۶ق) نیز که در سفر حج خود در سال ۵۴۸ قمری مدینه منوره را زیارت کرده، در توصیف قبرستان بقیع، به وجود قبور چهار امام علیهم السلام و عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله در یک گنبد اشاره کرده است (ابن مازہ بخاری، ۱۳۹۲، ص ۲۰۷). علی بن ابی بکر هروی (د ۶۱۱ق) نیز در نیمه دوم سده ششم از «گنبد عباس» در بقیع یاد کرده (هروی، ۱۹۵۳م، ص ۹۲) و ابن جبیر (د ۶۱۴ق) در سفرنامه خود، به توصیف تفصیلی گنبد پرداخته است (ابن جبیر، بی تا، ص ۱۷۴).

۲. تاریخ ساخت گنبد

درباره دوره ساخت گنبد ائمه بقیع علیهم السلام و نام بانی آن، تنها دو گزارش تاریخی در متون و منابع کهن به چشم می خورد. گزارش نخست از عبدالجلیل قزوینی رازی (زنده در ۵۶۰ق) - از اعلام شیعه امامیه در سده ششم هجری - است که دو جا در کتاب خود بعضی مطالب النواصب فی نقض بعضی فضائح الروافض (مشهور به کتاب «نقض»)، به ساخت گنبد عباس و چهار امام علیهم السلام در بقیع به دستور مجدالملک براوستانی اشاره کرده است (قزوینی رازی، ۱۳۹۱، صص ۹۱ و ۲۳۶).

ابوالفضل اسعد بن محمد بن موسی براوستانی قمی، ملقب به مجدالملک، وزیر برکیارق سلجوقی (حکومت: ۴۸۸-۴۸۷ق) بود که در سال ۴۹۲ قمری به قتل رسید. عبدالجلیل رازی در کتاب نقض خود، از اهتمام ویژه وی به شاهد امامان و امامزادگان سخن گفته و به جز بنای گنبد ائمه بقیع علیهم السلام، از ساخت یا بازسازی آستان

۱. کتاب الاستبصار متنی جغرافیایی در توصیف مصر و شمال آفریقا و مغرب، با مقدمه ای در توصیف حرمین شریفین است که مؤلف ناشناخته آن، چنان که از متن کتاب برمی آید، متعلق به مغرب اسلامی بوده است.

امامین کاظمین علیهم السلام در مقابر قریش در بغداد و آستان حضرت عبدالعظیم حسنی در شهرری (همان، ۱۳۹۱، ص ۲۳۶) و ساخت گنبد یا چارتاقي کوچک روی قبر عثمان، خلیفه سوم، در بقیع خبر داده است (همان، ۱۳۹۱، ص ۹۱).

گزارش دوم از ابن اثیر جزری (د ۶۳۰ق) است که بنا بر این گزارش، «مجدالملک بلاسانی» [کذا] معماری از اهل قم را برای ساخت گنبد روی قبر حسن بن علی علیه السلام و عباس به مدینه فرستاد. اما پس از قتل وی، این معمار از ترس امیر مدینه، شریف منظور بن عماره حسینی (د ۴۹۵ق)، به مکه گریخت. امیر مدینه وی را امان داد و به مدینه بازگرداند؛ اما امان خود را زیر پا گذاشت و معمار قمی را به قتل رساند (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م، ج ۱۰، ص ۳۵۲).

واضح است که «بلاسانی» در گزارش ابن اثیر، تصحیف «برواستانی» است. به هر حال این گزارش از این جهت که آگاهی‌های منحصر به فردی درباره معمار گنبد ائمه بقیع علیهم السلام و سرنوشت تلخ وی به دست داده، اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال متأسفانه این گزارش نام این معمار و علت اینکه چرا امیر مدینه پس از امان دادن به وی، در حقش خیانت کرد و او را به قتل رساند، به دست نداده است.

درباره تاریخ ساخت گنبد باید گفت با توجه به اینکه مجدالملک براوستانی در سال ۴۹۲قمری به قتل رسیده و امیر منظور بن عماره در سال ۴۹۵قمری از دنیا رفته است، پس معمار آن نیز باید در حد فاصل ۴۹۲ تا ۴۹۵ق کشته شده باشد و بر فرض اینکه این معمار، ساخت گنبد را در زمان حیات مجدالملک آغاز کرده باشد، می‌توان احتمال داد که این گنبد در حدود سال ۴۹۰قمری یا اندکی پیش یا پس از آن ساخته شده است.

به نظر می‌رسد گزارش‌های بازسازی گنبد ائمه بقیع علیهم السلام به دستور مجدالملک در کتاب نقض و تاریخ ابن اثیر، از چشم مورخان مدینه در دوره‌های بعدی پنهان مانده و در تواریخ محلی مدینه منوره در دوره‌های ایوبی و مملوکی بازتاب نیافته است. این مسئله باعث شده است تا شماری از مورخان مدینه، در تعیین تاریخ ساخت این گنبد دچار حدس و گمان‌های خطا و نادرست شوند.

ابن نجار که پس از یک دوره نسبتاً طولانی انقطاع در تاریخ‌نگاری محلی مدینه، نخستین تاریخ محلی مدینه را در دوره ایوبی نگاشته است، گنبد ائمه بقیع را با تعبیر «قدیمة البناء» (قدیمی ساخت) بدون اشاره به تاریخ ساخت آن توصیف کرده است (ابن نجار، ۱۴۲۷ق / ۲۰۰۶م، ص ۴۵۵).

این تعبیر نشان می‌دهد که گنبد در زمان حیات وی ساخته نشده و لذا او از تاریخ ساخت گنبد و بانی آن بی‌اطلاع بوده است.

جمال‌الدین مطری (د ۷۴۱ق)، از مورخان مدینه در دوره مملوکی، ساخت گنبد را به خلیفه عباسی، الناصر لدین الله (خلافت: ۶۲۲-۵۷۵ق) نسبت داده است (مطری، ۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م، ص ۱۱۹). چنان‌که سمهودی نیز یادآور شده (سمهودی، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۳۰۱)، تردیدی در نادرستی سخن مطری نیست؛ چراکه ابن نجار که خود معاصر الناصر عباسی بوده، به ساخت گنبد به دستور وی کوچک‌ترین اشاره‌ای نکرده و بلکه آن را گنبدی قدیمی ساخت، یعنی از پیش از دوره حیات خود، دانسته است.

سمهودی با استناد به وجود صندوقچه‌ای چوبی روی قبر عباس در زمان خود، که تاریخ آن سال ۵۱۹ قمری بوده، ساخت گنبد را پیش از این تاریخ دانسته است. اما خود او نیز در این زمینه دچار اشتباه دیگری شده و با استناد به کتیبه بالای محراب داخل مزار که در آن به ساخت محراب به دستور «المنصور المستنصر بالله» اشاره شده، احتمال ساخت این گنبد را به دستور دومین خلیفه عباسی ابوجعفر منصور (خلافت: ۱۵۸-۱۳۶ق) مطرح کرده است (همانجا).

تردیدی بر نادرستی این نتیجه‌گیری نیست و وقوع چنین خطایی از مورخ دقیق‌النظری همچون سمهودی، بسیار بعید می‌نماید؛ چراکه «منصور» یادشده در کتیبه محراب بنا، نه لقب خلیفه دوم عباسی، که نام خلیفه سی و ششم عباسی است که به لقب خود «المستنصر بالله» (خلافت: ۶۴۰-۶۲۳ق) شهرت دارد و فرزندش المستعصم بالله (خلافت: ۶۵۶-۶۴۰ق) آخرین خلیفه عباسی به شمار می‌آید.

از توصیف‌های مورخان از ساختمان زیارتگاه ائمه بقیع علیهم‌السلام برمی‌آید که این بنا، دارای گنبدی مرتفع بوده است (ابن جبیر، بی‌تا، ص ۱۷۴؛ ابن نجّار، ۱۴۲۷ق/ ۲۰۰۶م، ص ۴۵۵؛ عیاشی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۳۷۶). ابن نجّار حتی آن را بزرگ‌ترین گنبد بقیع دانسته است. همو گزارش داده است که بنا دارای دو در ورودی بوده (ابن نجّار، ۱۴۲۷ق / ۲۰۰۶م، ص ۴۵۵). چند سده پس از وی نیز عبدالغنی نابلسی (د ۱۱۴۳ق) به وجود دو در ورودی در دو ضلع شمالی و غربی بنا اشاره کرده است (نابلسی، ۱۴۱۰ق / ۱۹۸۹م، ج ۳، صص ۱۳۴ و ۱۴۰).

۳. تحولات بعدی ساختمان و گنبد

منابع تاریخی، آگاهی‌های کمی درباره بازسازی‌ها و تحولات عمرانی ساختمان گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام در دوره‌های بعدی به دست می‌دهند. البته به نظر می‌رسد ساخت گنبد به دستور معجدالملک براوستانی، زمینه‌ای را برای اقدامات عمرانی بعدی به دستور خلفای عباسی فراهم کرده باشد. برخی از این اقدامات که از گزارش سمهودی به دست می‌آید، نصب صندوقچه‌های چوبی روی قبور و ایجاد محراب داخل بنا بوده است (سمهودی، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۳۰۱).

سمهودی از صندوقچه چوبی روی قبر عباس سخن گفته است که در سال ۵۱۹ قمری و به دستور خلیفه عباسی المسترشد بالله (خلافت: ۵۱۲-۵۲۹ق) نصب شده بود. این صندوقچه قاعدتاً باید یکی از دو صندوقچه‌ای باشد که ابن جبیر و ابن نجّار توصیفی از آن به دست داده‌اند و می‌دانیم صندوقچه دیگر روی قبور چهار امام قرار داشته است (ابن جبیر، بی‌تا، ص ۱۷۴؛ ابن نجّار، ۱۴۲۷ق / ۲۰۰۶م، ص ۴۵۵). همچنین چنان که گذشت، با استناد به گزارش سمهودی، در دوره خلافت المستنصر بالله عباسی، یعنی سال‌های ۶۲۳ تا ۶۴۰ قمری، محرابی در ضلع جنوبی بنا ساخته شده بود.

از اقدامات عمرانی متعلق به سه سده نخست حاکمیت عثمانی بر حرمین نیز آگاهی چندانی در دست نیست. سید محسن امین (د ۱۳۷۱ق)، از یک نسخه خطی تذکره نصرآبادی نقل کرده است که میرزا علاءالدین حسین مرعشی اصفهانی معروف

به خلیفه سلطان یا سلطان‌العلماء (زنده در ۱۰۶۴ق) - وزیر اعظم شاه عباس صفوی (حکومت: ۹۹۶-۱۰۳۸ق) - در سفر حج خود به بازسازی گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام اقدام کرده بود (امین، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م، ج ۶، ص ۱۶۵).^۱

همچنین به نظر می‌رسد محراب بنا که لااقل تا زمان سمهودی یعنی اواخر دوره مملوکی باقی بوده، در دوره عثمانی جای خود را به پنجره یا ضریح مشبکی داده است که به اعتبار وجود قبری منسوب به حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام در باور برخی از اهل سنت، در آن محل نصب شده بود؛ چراکه تنها در سفرنامه‌های متأخر از وجود چنین پنجره‌ای سخن به میان آمده (از جمله: فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۹؛ فرهاد میرزا، ۱۳۶۶، ص ۱۵۶) و در منابع دوره مملوکی، هیچ اشاره‌ای به آن نشده است.

اما مهم‌ترین تحولات معماری این گنبد در دوره‌های متأخر، تخریب‌های آن به دست وهابیان بوده است. می‌دانیم گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام مانند بسیاری از گنبدها و زیارتگاه‌های حرمین شریفین، در چند سده اخیر دو بار به دست نیروهای وهابی تحت فرمان آل سعود تخریب شد. تخریب اول در سال ۱۲۲۰ قمری در دوره دولت اول سعودی، پس از تصرف مدینه منوره به دست ملک سعود بن عبدالعزیز (حکومت: ۱۲۲۹-۱۲۱۸ق) صورت گرفت.

به فاصله زمانی نسبتاً کمی از این تخریب، نیروهای عثمانی به فرماندهی ابراهیم پاشا فرزند محمدعلی پاشا حاکم مصر (حکومت: ۱۲۵۴-۱۲۲۰ق)، موفق به بازپس‌گیری مدینه منوره شدند. از این رو محمدعلی پاشا به دستور سلطان محمود خان ثانی عثمانی (حکومت: ۱۲۵۵-۱۲۲۳ق)، در سال ۱۲۳۳ قمری به بازسازی گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام اقدام کرد (صبری پاشا، ۱۳۰۴ق، ج ۴-۳، ص ۹۹۱).^۲

۱. در نسخه چاپی تذکره نصرآبادی، موفق به یافتن چنین گزارشی نشدیم.
۲. در سفرنامه‌های فارسی قاجاری (از جمله: فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۲۲۸؛ فرهاد میرزا، ۱۳۶۶، ص ۱۴۱)، تاریخ ساخت گنبد، سال ۱۲۳۴ قمری گفته شده است. اما با توجه به بازسازی دیوار قبرستان و سایر گنبدهای بقیع در سال ۱۲۳۳ قمری، این تاریخ که ایوب پاشا نیز گفته است، دقیق‌تر باشد.

حافظ محمد عبدالحسین ہندی کہ در سال ۱۲۳۱ قمری، چندی در مدینہ بہ سر بردہ، در سفرنامہ خود بہ خرابی گنبد ائمہ بقیع علیہم السلام اشارہ، و ساخت آن را آرزو کردہ است (کربلایی کرناٹکی، ۱۳۸۶ ش، صص ۱۲۴ و ۱۳۹) کہ این مسئلہ نشان می دہد در این سال ہنوز ساخت گنبد آغاز نشدہ بود. او همچنین در ادامہ، از نصب صندوقچہ چوبی روی قبور چہار امام علیہم السلام در تاریخ ۲۲ جمادی الاولی و نصب صندوقچہ روی قبر منسوب بہ حضرت فاطمہ علیہا السلام در ہمین مزار در روز ۲۴ ہمین ماہ خبر دادہ است (ہمان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹).

تخریب دوم گنبد، در دورہ ملک عبدالعزیز (حکومت: ۱۳۷۲-۱۳۱۹ق)، بنیانگذار دولت سوم سعودی رخ داد کہ نیروہای وہابی تحت فرمان وی در سال ۱۳۴۳ قمری مدینہ منورہ را تصرف، و پس از حدود یک سال از ورود بہ مدینہ، در تاریخ ہشتم شوال ۱۳۴۴ قمری (نمازی شہرودی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۶۶) بہ تخریب گنبدہای قبرستان بقیع اقدام کردند. از زمان این تخریب تا بہ امروز، مزار شریف ائمہ بقیع علیہم السلام بدون گنبد و ساختمان باقی ماندہ است.

نتیجہ گیری

شواہد تاریخی و توصیف های مورخان کهن از بقیع نشان می دہد کہ در چند سدہ نخست ہجری، بنایی روی قبور مطہر ائمہ بقیع علیہم السلام وجود نداشتہ است و ظاہراً نخستین ساختمان روی این قبور، گنبدی است کہ در اواخر قرن پنجم ہجری و ترجیحاً در حدود سال ۴۹۰ قمری، بہ دستور مجد الملک براوستانی قمی، وزیر برکیارق سلجوقی، و بہ دست معماری از اہل قم کہ مجد الملک وی را مأمور ساخت این گنبد کردہ بود، ساختہ شدہ است.

بر این اساس، برخی از حدس و گمان های مورخان مدینہ همچون جمال الدین مطری و نورالدین سمہودی مبنی بر ساخت این گنبد در دورہ الناصر لدین اللہ عباسی یا در دورہ منصور دوانیقی، نمی تواند درست باشد. ہرچند پس از ساخت گنبد،

اقدامات عمرانی دیگری به نام برخی از خلفای عباسی، نظیر ساخت صندوقچه چوبی روی قبر در دوره المسترشد بالله و ساخت محراب در ضلع جنوبی بنا در دوره المستنصر بالله ثبت شده است.

همچنین با توجه به سکوت منابع تاریخی درباره بازسازی‌های شامل و عمده گنبد ائمه بقیع علیهم‌السلام در دوره‌های بعدی، به نظر می‌رسد این بنا تا اواخر دوره عثمانی شاهد تحولات معماری چندانی نبوده است. از این رو ظاهراً مهم‌ترین تحولات بعدی این گنبد عبارت است از دو تخریب اول و دوم آن در دوره دولت‌های اول و سوم سعودی و بازسازی گنبد پس از تخریب اول آن در دوره سلطان محمود دوم عثمانی.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
۲. ابن برّاج، عبدالعزیز بن برّاج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، *المهذب*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسین.
۳. ابن جبیر، محمد بن احمد، بی‌تا، *رحلة ابن جبیر*، بیروت، دار صادر.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار بیروت.
۵. ابن شبّه، عمر بن شبّه النمیری، بی‌تا، *تاریخ المدینة المنورة*، تحقیق فهیم محمد شلتوت.
۶. ابن مازہ بخاری، محمد بن عمر، ۱۳۹۲، *لطائف الاذکار للحضار والسفّار فی المناسک والآداب*، تصحیح رسول جعفریان، تهران، نشر علم، چاپ اول.
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ۱۴۱۹ق، *المزار الکبیر*، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، قم، نشر القیوم.
۸. ابن نجار، محمد بن محمود بغدادی، ۱۴۲۷ق / ۲۰۰۶م، *الدرة الثمينة فی اخبار المدینة*، تحقیق صلاح‌الدین شکر، المدینة المنورة، مرکز بحوث ودراسات المدینة المنورة، چاپ اول.

۹. الاستبصار فی عجائب الامصار، بی تا، تحقیق سعد زغلول عبدالحمید، بغداد، دارالشؤون الثقافية العامة.
۱۰. امین، سید محسن، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م، اعیان الشیعة، تحقیق حسن الامین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۱۲. سمهودی، علی بن عبدالله، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی، تحقیق قاسم السامرائی، مؤسسة الفرقان، چاپ اول.
۱۳. صبری پاشا، ایوب، ۱۳۰۴ق، قسطنطنیه: مطبعة بحریه.
۱۴. صدوق، محمد بن علی قمی، ۱۴۲۹ق، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسین بقم المقدّسة، چاپ پنجم.
۱۵. عیاشی، ابوسالم عبدالله بن محمد، ۲۰۰۶م، الرحلة العیاشیه، تحقیق سعید الفاضلی و سلیمان القرشی، ابوظبی، دار السویدی، چاپ اول.
۱۶. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م، احیاء علوم الدین، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم.
۱۷. فراهانی، محمدحسین، ۱۳۶۲، سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، فردوسی.
۱۸. فرهاد میرزا، ۱۳۶۶، سفرنامه فرهاد میرزا، تصحیح غلامرضا طباطبائی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۱۹. قزوینی رازی، عبدالجلیل، ۱۳۹۱، بعض مثالب النواصب فی نقض بعض نواقض الروافض (معروف به: نقض)، تصحیح میرجلال الدین محدّث ارموی، به کوشش محمدحسین درایتی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۰. کربلایی کرناطکی، ۱۳۸۶، حافظ محمد عبدالحسین، تذکرة الطریق فی مصائب حجّاج بیت الله العتیق، به کوشش رسول جعفریان و اسرا دوغان، قم، مورخ.
۲۱. مسعودی، علی بن حسین، ۱۸۹۳م، التنبیه والإشراف، لیدن، بریل.

٢٢. مطرى، محمد بن احمد، ١٤٢٦ق / ٢٠٠٥م، التعريف بما أنست الهجرة من معالم دار الهجرة، تحقيق سليمان الرحيلي، الرياض، دار الملك عبدالعزيز.
٢٣. مفيد، محمد بن محمد، ١٤١٤ق / ١٩٩٢م، المقنعه، تحقيق مؤسسة النشر الاسلامي، دار المفيد، چاپ دوم.
٢٤. مقدسى، محمد بن احمد، ١٩٠٦م، احسن التقاسيم فى معرفة الاقاليم، ليدن، بريل.
٢٥. نابلسى، عبدالغنى، ١٤١٠ق / ١٩٨٩م، الحقيقة والمجاز فى رحلة بلاد الشام ومصر والحجاز، تحقيق رياض عبدالحميد مراد، بيروت، دار المعرفة، چاپ اول.
٢٦. نمازى شاهرودى، على، ١٤٢٧ق، مستدرک سفينة البحار، تحقيق حسن بن على النمازى، قم، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، چاپ سوم.
٢٧. وصف مكة والمدينة وبيت المقدس، ١٣٩٣ق، تحقيق حمد الجاسر، مجلة العرب، سال ٣، شماره ٦-٥.
٢٨. هروى، على بن ابى بكر، ١٩٥٣م، الإشارات إلى معرفة الزيارات، تحقيق جانين سوردیل - طومين، دمشق، المعهد الفرنسى.